

The role of fundamental proceeding in protecting and safeguarding the people's choice in France and Iran

Mohsen Iraj*

Received: 2018/5/13

Khairullah Parvin**

Accepted: 2018/9/16

The existence of a supervisory entity with an impartial mechanism in the election plays a decisive role in realization of a desirable governance. Today, the complexity of the election makes the "supervision" hard and responsibility of "fundamental proceeding" heavier. Supervision over election is a two-bladed sword, which can guarantee and protect the rights on one hand, and threatens and restricts it on the other hand. Therefore, this research studies the foundation and examples of this kind of supervision in Iran and France using descriptive-analytical method, and seeks to answer the question of what mechanism the fundamental proceeding benefits from to safeguard the people's choice in France and Iran in order to protect the people's rights in the best way? In response, it became clear that the Guardian Council has a broader role than the French Constitutional Council in some powers. However, both of them have the effectiveness, efficiency, and coherence due to the dispersion, ambiguity, and inconsistency of behaviour and lack of transparency exists in most of jurisdiction and conduct of their agents. In addition, this has led to a high legitimacy today, despite the fact that the activities of these entities are somewhat distant from theoretical foundations and main protection thoughts.

Keywords: fundamental proceeding, election, supervision, inhibition, Iran, France.

* Ph.D. Specialist in Public Law, Department of Public and International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. Irajmohsen@yahoo.com

** Professor of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author). khparvin@ut.ac.ir

نقش دادرسی اساسی در حفظ وصیانت از انتخاب (رای) مردم در فرانسه و ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۵

محسن ایرج*

خیراله پروین**

چکیده

وجود نهاد ناظر با سازوکار بی طرفانه در انتخابات نقش تعیین کننده‌ای در تحقق بخشیدن به حکمرانی مطلوب دارد. امروزه پیچیدگی انتخابات «نظارت» را امری سخت و مسئولیت «دادرسی اساسی» را سنگین کرده است. نظارت بر انتخابات تیغ دو لبه‌ای است که از یکسو می‌تواند تضمین کننده و پاسدار حقوق باشد و از سوی دیگر، تهدید و تحدیدکننده آن، لذا این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی، مبانی و مصادیق این نوع نظارت را در ایران و فرانسه مورد بررسی قرار داده و به دنبال ارائه پاسخ به این پرسش است که «دادرسی اساسی جهت صیانت از انتخاب مردم در فرانسه و ایران از چه سازوکاری بهره می‌گیرد تا از حقوق مردم به بهترین نحو صیانت کند؟» در پاسخ مشخص شد که با وجود انتصابی بودن اعضای این شورای نگهبان و شورای قانون اساسی فرانسه (فرانسه ۹ نفر با نسبت مساوی توسط سه قوه، ایران ۱۲ نفر با نسبت مساوی توسط رهبری و مجلس البته از میان منتخبان رئیس قوه قضائیه) شورای نگهبان ایران در برخی از اختیارات، دارای نقش گسترده‌تری نسبت به شورای قانون اساسی فرانسه است. هر چند هر دوی آنها، به دلیل پراکندگی، ابهام، تناقض رفتار و عدم شفافیتی که در اکثر جنبه‌های صلاحیت و رفتار کارگزارانشان وجود دارد، اما از اثربخشی، کارآمدی و انسجام لازم برخوردار می‌باشد. همین موضوع باعث شده تا امروزه، با وجود فاصله بین آرمان‌های صیانتی، مبانی نظری، اندیشه‌های اصلی تأسیس و عملکرد موجود، باز هم از مشروعیت بالایی در حقوق تطبیقی برخوردار باشند.

واژگان کلیدی: دادرسی اساسی، انتخابات، نظارت، قانون اساسی.

* دانشجوی دوره دکتری تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و

Irajmohsen@yahoo.com

علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.

** استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

khparvin@ut.ac.ir

مقدمه

ابتکار تشکیل مرجعی برای کنترل و نظارت بر قوانین عادی و نظارت بر انتخابات ابتدا توسط «سی یس» سیاست‌مدار انقلابی فرانسه، مطرح و در هنگام تدوین قانون اساسی در ۱۷۹۵، پیشنهاد شد تا مرجعی به نام «هیئت قانون اساسی» با هدف «صیانت از قانون اساسی» تشکیل شود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۸).

اندیشه نظارت بر مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی، برگرفته از ضرورت‌هایی است که ریشه در دو اصل مهم «وجود سلسله مراتب میان هنجارهای حقوقی» و «برتری قانون اساسی بر سایر قوانین و مقررات» دارند. قانون اساسی به عنوان قانون برتر از لحاظ جایگاه حقوقی در رأس هرم هنجارهای حقوقی قرار دارد و از همین رو نیازمند سازماندهی و انتظام خاصی است که به مثابه ضمانت اجرایی برای تحقق مفاد اصلی این سند قانونی عمل می‌کند (پروین، ۱۳۹۴، ص ۶۱). از مهم‌ترین نتایج گسترش نظارت بر اصولی کردن و اساس‌مند کردن قوانین و منطبق بودن قوانین عادی با قوانین اساسی، تغییراتی است که بر دامنه آزادی‌ها و حقوق عارض می‌شود. به گونه‌ای که شوراهای نظارت قانونی (دادگاه‌های قانون اساسی، دادسراها، شوراهای قانون اساسی، حتی دیوان عالی و دادگاه فرجام، در اتاق‌های ویژه کنترل و نظارت بر اصول‌مندی قوانین و تطبیق آن‌ها با قانون اساسی) مرجع اول و مسئول اصلی حمایت از حقوق و آزادی‌های عمومی از خلال نظارت بر اساسی کردن قوانین و تطبیق آن با قانون اساسی هستند (شکر، ۱۳۸۷، ص ۹۸). در واقع می‌توان گفت «نسبت دادرسی اساسی با قانون اساسی باید هسته مرکزی قانون اساسی را پاس بدارد و همت دادرسی اساسی باید معطوف به پاسداری از ارزش‌های بنیادین نظام سیاسی باشد» (گرگی ازندریانی و خادمی، ۱۳۹۵). از سوی دیگر هدف اصلی حمایت از اصول قانون اساسی در برابر قوانین عادی، صیانت از حقوق و آزادی‌های اساسی افراد از طریق نظارت بر قوانینی است که بر روابط اجتماعی آن‌ها حاکم هستند (پروین، ۱۳۹۲، ص ۵۲۳). بنابراین آنچه مسلم است روش‌های متنوعی برای کنترل قدرت وجود دارد که از جمله آن‌ها نظارت و پاسخگویی نهادهای عمومی است. از طرف دیگر آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی موجب رسیدنشان به حقی می‌شود که جامعه برای آن‌ها

در نظر می‌گیرد. مردم علاوه بر حقوق ذاتی از حقوق اعتباری برخوردارند. لذا به منظور تقویت سطح مشارکت، سطح پاسخگویی، شفافیت و نظارت نیز باید بهبود یابد زیرا افزایش نظارت و پاسخگویی موجب بهبود سطح اعتماد عمومی می‌شود و داشتن یک نظام پاسخگویی فعال، دولت را به جامعه و مردم پیوند می‌دهد.

کشور فرانسه از طریق نهادی بنام «شورای قانون اساسی» از انتخاب مردم صیانت می‌کند، این نظارت صرفاً منوط به طرح شکایت نیست و شورا در نظارت بر مراحل انتخابات نقش مشورتی و محکمه را نیز دارد. در نهایت نیز تأیید صحت و اعلام نتیجه انتخابات بر عهده شورای قانون اساسی فرانسه است. به نظر می‌رسد شرایط احصا شده در قانون فرانسه به علت وجود سیستم حزبی به لحاظ کمی و عینی بودن، حائز اهمیت است، اما به لحاظ کیفی تأیید صلاحیت فرد از سوی احزاب سیاسی و گروه‌های متنفذ مالی شدیداً محل مناقشه می‌باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الگوبرداری از این نهاد فرانسوی ضمن کمک گرفتن از نظریه شیخ فضل‌الله نوری «شورای نگهبان» را مسئول دادرسی اساسی در ایران نمود. از مهم‌ترین تجربه کشورهای در این زمینه، نظارت از طریق قوه مقننه (مثل نظارت بر انتخابات شوراها در ایران) یا وزارت کشور تا «نظارت قضایی» از طریق دادگاه‌های عالی دیده می‌شود اما چیزی که فارغ از نام و جای این نهاد در ساختار قدرت اهمیت دارد، بی‌طرفی این نهاد است.

در این مقاله فرایند نظارت توسط دادرسی اساسی فرانسه و ایران مورد واکاوی قرار گرفته و نقاط اشتراک و افتراق آن بررسی می‌شود. پرسش اساسی این تحقیق «نقش دادرسی اساسی در صیانت از انتخاب مردم در فرانسه و ایران چیست؟».

ضرورت پژوهش نیز پس از انتخابات و اعتراضات ۱۳۸۸ مضاعف گردیده، چرا که کمبود و نبود اطلاعات واقعی و تطبیقی نسبت به وضعیت دادرسی اساسی انتخابات در کشورهای دموکراتیک برای قشر جوان راه را جهت سوءاستفاده دشمنان ایران فراهم کرده است که با برطرف شدن این خلأ تحقیقاتی به میزان زیادی از این عوارض کاسته خواهد شد.

۱. نظارت و دادرسی انتخابات

یکی از کارکردهای مهم دادرسی اساسی «نظارت بر صحت انتخابات» است که در

راستای تضمین حقوق شهروندان و صیانت از انتخاب مردم صورت می‌گیرد. دادگاه قانون اساسی نهادی قضایی است که با اختیارات خاص و انحصاری خارج از نظام دادگاه‌های عادی قرار دارد و از دیگر شاخه‌های نهادهای دولتی کاملاً مستقل می‌باشد (کارگزاری، ۱۳۸۳، ص ۲۷۹). نظارت یک مفهوم اساسی در حقوق عمومی است که می‌توان آن را نوعی اطلاع از آنچه در حال وقوع است و دارای نوعی مقایسه ضمنی بین آنچه هست و آنچه باید باشد دانست (پروین، ۱۳۹۲، ص ۵۲۳). «نظارت بر انتخابات در پیوند تنگاتنگ با حق بنیادین و انسانی تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی افراد دارد. نظارت بر انتخابات در واقع تیغ دو لبه‌ای است که از یک سو می‌تواند تضمین کننده و پاسدار حقوق باشد و از سوی دیگر، تهدید و تحدیدکننده آن» (قاری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴). در تعریف مصطلح، «نظارت» به مجموعه عملیاتی گفته می‌شود که طی آن، میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده می‌شود تا از این طریق، به مطابقت نتایج عملکرد با هدف‌های مطلوب، اطمینان به دست آید، دیوان عالی قانون اساسی آلمان، ایتالیا، اسپانیا، اتریش و پرتغال به اعمال نظارت پیشینی می‌پردازند، اما هیچ‌گاه گفته نمی‌شود که این دادگاه‌ها تنها در مواردی که به اعمال نظارت پسینی می‌پردازند، عمل قضایی انجام می‌دهند. بنابراین، این دادگاه‌ها چه در اعمال نظارت پیشینی و چه در اعمال نظارت پسینی و چه با ارجاع مقامات دولتی و چه با ارجاع اقلیت پارلمانی، به اعمال نظارت قضایی می‌پردازند. در واقع، اعمال این نظارت قضایی در راستای برآوردن منفعت نظم اساسی (نظم مبتنی بر قانون اساسی) صورت می‌گیرد. اما، با نگاه دقیق‌تر متوجه می‌شویم که امروزه فقط در نظام سیاسی فرانسه است که این نظارت در شکل اولیه آن اعمال می‌شود، هر چند جایگاه این نظارت در آلمان، ایتالیا، اتریش، اسپانیا و پرتغال کاهش یافته است (فاورو، ۱۳۸۵، ص ۳۷۵).

۲. نقش نظارتی دادرسی اساسی در فرانسه (شورای قانون اساسی و وظایف آن)

از جمهوری پنجم فرانسه، و از سال ۱۹۵۸ در قانون اساسی فرانسه و به موجب اصل ۵۶ این قانون، نهادی تحت عنوان «شورای قانون اساسی» برای صیانت از قانون اساسی فرانسه ایجاد شد که دو وظیفه عمده دارد:

۱- نظارت بر انتخابات مجلس و ریاست جمهوری،

۲- تطبیق قوانین عادی با قانون اساسی.

شورای قانون اساسی فرانسه انتصابی است و ۹ عضو دارد که سه نفر از آنها توسط رئیس جمهور، سه نفر به انتخاب رئیس مجلس شورای ملی و سه نفر توسط رئیس مجلس سنا به مدت ۹ سال منصوب می‌شوند. هر سه سال، هر یک از سه نهاد انتصاب‌کننده، اعضای در صورت فوت، استعفا یا از دست دادن صلاحیت هر یک از اعضاء عضو جدید توسط نهاد انتصاب‌کننده عضو سابق، جایگزین می‌شود و دوران باقیمانده آن عضو را به اتمام می‌رساند. اگر این دوران کمتر از سه سال باشد انتخاب مجدد این فرد بلامانع است، ولی چنانچه این دوران سه سال یا بیشتر باشد یک دوره کامل تلقی می‌شود. و انتصاب مجدد وی به عضویت شورای قانون اساسی، منع قانونی خواهد داشت (عباسی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۹).

رئیس شورای قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شود. وی علاوه بر ریاست جلسات شورا، در زمینه سازماندهی و کارکرد شورا، از اختیارات قابل توجهی برخوردار است. به‌عنوان مثال در صورت تساوی آراء اعضا، رأی رئیس شورا تعیین‌کننده است و حرف نهایی را می‌زند. در اکثر موارد وی همزمان با به عضویت درآمدن در شورا، به ریاست شورا منصوب می‌شود و به تبع دوران ریاست، دوران عضویت وی نیز نه سال طول می‌کشد (خسروی، ۱۳۹۶، ص ۲۲).

۲-۱. اجرای انتخابات و نظارت بر آن

حیطه نظارت بر نحوه انتخابات ریاست جمهوری و همه‌پرسی‌ها وسیع است. شورا بر درستی و قانونی بودن انتخابات ریاست جمهوری و دو مجلس مراقبت و به شکایت از روند انتخابات رسیدگی (اصل ۵۸^۱ قانون اساسی فرانسه) و در صورت اعتراض درباره قانونی بودن این انتخابات تصمیم‌گیری می‌کند (ماده ۵۹^۲ قانون اساسی فرانسه) شورا پس از رسیدگی می‌تواند شکایت را رد کرده، انتخابات را ابطال یا اینکه نتایج اعلام شده را اصلاح نماید (عباسی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۹).

در واقع دامنه نظارتی شورای قانون اساسی در این قلمرو هم شامل وظیفه مراقبت و پیشگیری از وقوع تخلف و هم شامل وظیفه دادرسی و پیگیری دعاوی انتخاباتی است. این شورا نه تنها پس از رأی‌گیری بلکه قبل و همزمان با آن نیز مداخله می‌کند. اختیار

مراقبت بر تضمین اصل برابری داوطلبان در طول رقابت انتخاباتی به گونه‌ای است که امکان مداخله را برای شورای قانون اساسی به وجود می‌آورد. در حالی که در جریان رقابت انتخاباتی تأثیرگذاری این نهاد ناچیز است، در حوزه مراقبت بر عملیات رأی‌گیری و اعلام نتایج، جایگاه شورای قانون اساسی بسیار مهم است. از جمله در انتخابات ریاست جمهوری باید پانصد چهره سیاسی فرانسه با امضای خود کاندیدای پست ریاست جمهوری را تأیید کنند تا وی بتواند در رقابت انتخاباتی ریاست جمهوری شرکت نماید، شورا فهرست داوطلبان را تنظیم و از طریق نمایندگان خود به مراقبت بر عملیات رأی‌گیری در محل می‌پردازد. در طی سال‌های اخیر قوانین جدیدی در مورد منابع مالی احزاب سیاسی به تصویب رسیده که این شورا بر مبنای آن‌ها بر هزینه‌های تبلیغاتی کاندیداهای احزاب سیاسی در انتخابات نظارت می‌کند (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۸، ص ۷۶).

۲-۲. نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری

ماده ۵۸ قانون اساسی مأموریت مراقبت بر سلامت انتخابات ریاست جمهوری را به شورای قانون اساسی اعطا کرده است و نقش نظارتی و مراقبتی شورا در حوزه‌های مختلف انتخاب ریاست جمهوری متفاوت است.

۲-۲-۱. نظارت بر آماده‌سازی انتخاب ریاست جمهوری

در حوزه عملیات آماده‌سازی انتخاب ریاست جمهوری می‌توان از نظارت بر تنظیم فهرست داوطلبان و مشاوره درباره سازماندهی عملیات انتخاباتی سخن گفت.

۲-۲-۲. نظارت بر تنظیم فهرست داوطلبان

پس از انتشار دستور دعوت رأی‌دهندگان (دستور شروع انتخابات) شورای قانون اساسی معرفی نامه‌های داوطلبان را دریافت می‌کند. فهرست داوطلبان انتخاب ریاست جمهوری پس از بررسی انتخاب‌پذیری آن‌ها براساس توقعات اساسی و قانونی توسط شورای قانون اساسی تنظیم می‌گردد. لذا شورای قانون اساسی بررسی می‌کند که آیا داوطلبان شرایط ارایه معرفی‌نامه را رعایت نموده‌اند. معرفی‌نامه‌ها باید توسط اشخاص صلاحیت‌دار برای

معرفی کردن صادر شوند. این اشخاص عبارتند از اعضای پارلمان (مجلس ملی و سنا)، اعضای شوراهای مناطق (استان)، اعضای شوراهای شهرستان، اعضای شورای شهر پاریس، اعضای مجالس سرزمین‌های (واحدهای) آن سوی دریاها، شهرداران یا اعضای مجمع فرانسویان مقیم خارج. اگر معرفی‌نامه از جانب افراد صلاحیت‌دار صادر نشود یا بر روی فرم‌های مخصوص درج نگردد و یا پس از مهلت‌های مقرر قانونی تسلیم شود، اعتبار نخواهد داشت (تقی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۶۰). شایان ذکر است کاندیداها باید در زندگی سیاسی خود شفافیت مالی داشته باشند بدین منظور فرد کاندیدا باید اظهارنامه‌ای تهیه کند که حاوی جزئیاتی درباره تمامی اموال و دارایی‌های وی باشد و آن را به شورای قانون اساسی بفرستد. همچنین شخص کاندیدای ریاست جمهوری باید تعهد کند که اظهارنامه مشابهی را در پایان دوران خدمتش در صورتی که به ریاست جمهوری برگزیده شود، تهیه کند (Brouard, 2009, p.32).

انتشار فهرست داوطلبان بدون شک به مثابه یکی از تصمیمات شورای قانون اساسی است. شورا در مهلت زمانی بسیار کوتاه به تمام اعتراضات راجع به صلاحیت معرفی‌کنندگان، تعداد آنها، انتخاب‌پذیری داوطلبان و توزیع علایم ممیزه آنها رسیدگی می‌کند اما نظارت بر اساسی بودن یک قانون یا آیین‌نامه را در حین انجام وظیفه نظارت بر انتخابات نمی‌پذیرد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۸، ص ۸۰).

۲-۲-۳. مشاوره درباره سازماندهی عملیات انتخاباتی

شورا در این حالت به عنوان یک نهاد مشاوره‌دهنده و نه یک محکمه مداخله می‌کند (تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۶۲).

۲-۲-۴. نظارت بر جریان رأی‌گیری، اعتراضات و اعلام نتایج

در حوزه نظارت بر جریان رأی‌گیری ریاست جمهوری می‌توان از نظارت هم‌زمان یا پس از رأی‌گیری و اعلام نتایج سخن گفت.

۲-۲-۴-۱. نظارت هم‌زمان با رأی‌گیری

به طور کلی در فرانسه رأی‌گیری با استفاده از کاغذ انجام می‌شود و به صورت دستی

هم شمرده می‌شود؛ لذا بدون بحث نظارت بر این روند انتخابات که سیستم رأی‌گیری الکترونیکی محبوبیتی ندارد بسیار حایز اهمیت است (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۸، ص ۸۱).
به منظور تعقیب عملیات انتخاباتی در محل، شورای قانون اساسی می‌تواند مطابق ماده ۴۸ تصویب‌نامه مورخ ۷ نوامبر ۱۹۵۸ نماینده یا نمایندگان را از بین قضات عمومی یا اداری انتخاب کند. این مسئله به شورا امکان می‌دهد تا مستقیماً از تخلفات احتمالی آگاهی یابد. معمولاً نمایندگان شورا از بین گزارشگران معین شورا و رؤسای دیوان‌های تجدیدنظر انتخاب می‌شوند و این اشخاص نیز می‌توانند با تفویض اختیار توسط شورا قضاتی را از بین اعضای شورای دولتی، دیوان محاسبات و رؤسای دادگاه‌های اداری شهرستان یا سرزمین آن سوی دریاها، در جاهایی که مراقبت ویژه لازم است، انتخاب نمایند (تقی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۶۳).

البته شایان ذکر است نقش نمایندگان شورای قانون اساسی بسیار ساده است. آن‌ها باید عملیات رأی‌گیری را در محل تعقیب کنند. نمایندگان شورا نمی‌توانند جایگزین مقامات صلاحیت‌دار مانند فرمانداران، کمیسیون شمارش آرا و غیره شوند اما می‌توانند آن‌ها را به سمت مسایل علمی یا حقوقی مهم جلب نمایند (Brouard, 2009, p.32).

۲-۲-۴. نظارت پس از رأی‌گیری

یکی از وظایف شورای قانون اساسی در جریان برگزاری انتخابات، رسیدگی به شکایت‌ها است. شکایت نسبت به انتخابات می‌تواند هم توسط یک رأی‌دهنده و هم توسط یک کاندیدا مطرح شود، اما نمایندگان دولت و اعضای مجمع ملی نمی‌توانند شکایتی را طرح کنند. شکایت باید ده روز بعد از اعلام نتایج نهایی انتخابات باشد؛ اغلب شکایت‌ها به نحوه مبارزات انتخاباتی کاندیداها مربوط می‌شود که تأثیراتی بر نتیجه انتخابات داشته است. شکایت نباید اثر حمایتی داشته باشد یا از اجرای یک حکم جلوگیری کند. تا زمانی که شورای قانون اساسی حکم نداده است، اجرای قوانین ناهماهنگ به تعویق انداخته می‌شود. حل مجادلات انتخاباتی محدودیت زمانی ندارد. اصل ۴۱ رویه قضایی ۷ نوامبر ۱۹۵۸، به شورای قانون اساسی امکان می‌دهد دو نوع تصمیم را در مورد شکایت‌های انتخاباتی اتخاذ کند. شورای قانون اساسی می‌تواند اعلام کند یک شکایت انتخاباتی باطل است و یا آن را بپذیرد و اعلامیه صادر شده

توسط کمیته انتخاباتی را نقض نماید. شورای قانون اساسی مسئولیت دارد تا صحت برگزاری انتخابات را اعلام کند و اعتبار انتخاب یک کاندیدا را مورد تأکید قرار دهد. با این حال شورا نمی‌تواند با استفاده از این اختیار کاندیدایی را به جای کاندیدای دیگر برنده انتخابات اعلام کند (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۸، ص ۷۹).

۲-۲-۵. اعلام نتایج رأی‌گیری

پس از پایان مرحله اول رأی‌گیری، شورای قانون اساسی تعداد آرای اکتسابی هر یک از داوطلبان را حداکثر تا ساعت ۲۰ روز چهارشنبه اعلام می‌کند. برخلاف اعلام نتایج مرحله اول رأی‌گیری، اعلام نتایج انتخاب ریاست جمهوری (مرحله دوم) دارای ویژگی قطعی است و برای همه لازم‌الاتباع است. در سال ۱۹۹۸ برای اولین بار بر اساس مقررات جدید قانون ارگانیک مورخ ۱۱ مارس ۱۹۹۸ راجع به شفافیت مالی حیات سیاسی، در تصمیم موضوع اعلام نتایج ریاست جمهوری اعلامیه وضعیت دارایی فرانسوا میتران (رییس جمهور منتخب) نیز درج شد. شورا از آن زمان تا کنون اعلامیه وضعیت دارایی رئیس جمهور منتخب را همراه با تصمیم راجع به اعلام نتایج نهایی رأی‌گیری در روزنامه رسمی منتشر می‌کند (Rogoff, 2010, p.578).

۲-۳. نظارت بر انتخابات پارلمانی

انتخابات پارلمانی در فرانسه به انتخابات نمایندگان مجلس ملی و سناتورها تقسیم می‌شود. نظارت بر این دسته از انتخابات سیاسی ملی، در قالب رسیدگی به شکایت‌ها و حل و فصل دعاوی انتخاباتی، بر عهده شورای قانون اساسی نهاده شده است. لذا اگر شکایتی علیه سلامت انتخاب یک نماینده مجلس ملی یا یک سناتور مطرح نگردد، شورا در این حوزه وارد نمی‌شود. از سوی دیگر صلاحیت قاضی انتخابات پارلمانی در فرانسه محدود است و این نهاد بر اساس آیین دادرسی ترافعی و کتبی به رسیدگی می‌پردازد. در صورتی که تخلفات ارتكابی در حوزه‌های مختلف سازماندهی و عملیات انتخاباتی همانند تبلیغات، رأی‌گیری و شمارش آرا به گونه‌ای باشند که صداقت انتخاباتی را خدشه‌دار و یا امکان ارزیابی صداقت آن را از قاضی انتخابات سلب کنند، شورای قانون اساسی به ابطال نتایج رأی‌گیری دست می‌زند (تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵).

۲-۳-۱. ویژگی نظارت شورای قانون اساسی بر انتخابات پارلمانی (اصل بر محدودیت نظارت)

مداخله شورای قانون اساسی فرانسه در انتخابات، محدود می‌باشد و منحصرأ در صورتی که با نحوه برگزاری انتخابات مجلس شورا یا سنا ابراز مخالفتی شود، شورا موظف است در مورد قانونی بودن یا قانونی نبودن نحوه برگزاری انتخابات اظهارنظر نماید. همچنین در اصل ۵۹ آمده است: «در صورت اعتراض نسبت به حسن اجرای انتخابات اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا، شورای قانون اساسی، نظارت کامل می‌نماید» (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۸، ص ۷۷).

به این ترتیب شورا از صلاحیت عام رسیدگی به تمام دعاوی انتخاباتی همانند دعاوی راجع به انتخاب‌کنندگان و داوطلبان برخوردار نیست. قانون انتخابات، حل و فصل دعاوی راجع به تنظیم فهرست‌های انتخابات‌کنندگان را بر عهده دادگاه‌های عمومی قرار داده است. لذا شورا دعاوی راجع به حذف، درج و یا رد ثبت‌نام بر روی این فهرست‌ها را بررسی نمی‌کند (تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳).

شایان ذکر است نظارت بر تنظیم فهرست انتخاب‌کنندگان سناتورها بر عهده دادگاه اداری است و از تصمیمات آن می‌توان نزد شورای قانون اساسی تحت عنوان شکایت علیه انتخاب سناتور منتخب تجدیدنظرخواهی کرد. لذا اگر شاکی قبلاً نزد دادگاه اداری طرح دعوا نکرده باشد، شورای قانون اساسی از بررسی مدارک راجع به تخلفات در این فهرست‌ها خودداری می‌کند. قاضی انتخابات فقط در صورت مراجعه صحیح به او رسیدگی می‌کند؛ صلاحیت بررسی او در محدوده شکایت مطروحه است و معمولاً به ارزیابی انتخاب منتخب محدود می‌شود و دادرسی انتخاباتی شورا به صورت کتبی و ترافعی است (Brouard, 2009, p.32).

لازم به توضیح است شکایت از سوی هر یک از رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه یا هر یک از داوطلبان حوزه انتخابیه، متقاضیان داوطلبی و یا جانشینان آن‌ها در محدوده ۱۰ روز پس از اعلام نتایج رسمی رأی‌گیری قابل طرح است. لذا شورا صلاحیت خود را برای رسیدگی پیش از اعلام منتخب و یا بعد از ۱۰ روز نمی‌پذیرد. به همین دلیل نمی‌توان علیه نتایج مرحله اول رأی‌گیری، جز در قبال اعتراض به انتخاب فرد منتخب

در مرحله دوم، طرح دعوا کرد. از سوی دیگر احزاب و گروه‌های سیاسی، انجمن‌ها یا نمایندگان دولت مرکزی در حوزه انتخابیه (فرمانداران و بخشداران) نمی‌توانند نزد شورای قانون اساسی طرح شکایت کنند. در مورد رأی‌دهندگان شورای قانون اساسی بررسی می‌کند که آیا بر روی فهرست‌های رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه ثبت نام کرده‌اند یا خیر؛ در صورت عدم ثبت‌نام، شکایت فرد را رد می‌کند. در مورد داوطلبان نیز شورای قانون اساسی واقعی بودن نامزدی را بررسی می‌کند و لذا شکایت کسانی را که فرم‌های مخصوص ثبت‌نام داوطلبی را پر نکرده‌اند، نمی‌پذیرد. البته اگر شخصی این فرم‌ها را پر کند، اما ثبت‌نام از او مثلاً به دلیل اعلام انتخاب ناپذیرش توسط دادگاه اداری، صورت نگیرد، می‌تواند نزد شورای قانون اساسی طرح دعوا کند و در نهایت باید اشاره نمود که تفسیر مضیق صلاحیت شورا در حوزه انتخابات، این نهاد را از رسیدگی به دعاوی منضم بر انتخابات، یعنی دعاوی فاقد قابلیت تأثیرگذاری بر صداقت انتخابات باز می‌دارد (تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲).

۲-۳-۲. رسیدگی به دعاوی راجع به رأی‌گیری و شمارش نتایج

درباره تخلفات راجع به سازماندهی عملیات انتخاباتی، شورا غالباً تخلفاتی همچون ریاست شعبه اخذ رأی از سوی یکی از رأی‌دهندگان به جای شهردار، معاون شهردار یا عضو دیگری از شورای شهر، افتتاح زود هنگام شعبه اخذ رأی و یا اختتام زود هنگام رأی‌گیری به منظور ممانعت از حضور نمایندگان یکی از داوطلبان برای مراقبت و نظارت بر رأی‌گیری را مورد توجه قرار می‌دهد. درباره جریان رأی‌گیری، مواردی هم چون فقدان تعرفه‌ها به نام برخی از داوطلبان، اندازه یا رنگ تعرفه‌ها یا پاکت‌ها، فقدان اتافک (خلوت‌خانه) انتخاباتی، عدم کنترل هویت رأی‌دهندگان و یا عدم امضای فهرست‌های حاضر در شعب اخذ رأی از سوی اعضای شعب مورد توجه شورای قانون اساسی قرار می‌گیرند (Brouard, 2009, p.32).

از سوی دیگر تخلفات می‌توانند درباره عملیات شمارش آرا نیز باشند. البته این تخلفات لزوماً به ابطال نتیجه منجر نمی‌شود. تخلفات ارتكابی باید از ویژگی‌های خاصی برخوردار باشند تا بتوان نتیجه انتخابات را ابطال کرد. در صورت اشتباه در شمارش نتایج، شورا می‌تواند اعداد را تصحیح، شکایت را رد، انتخابات را ابطال و یا

نتیجه اعلامی توسط کمیسیون شمارش آرا را با اعلام منتخب واقعی، اصلاح کند. شورا تا کنون از اختیار اصلاح نتایج استفاده نکرده است. عدم اختیار اصلاح نتیجه انتخابات به این دلیل است که در صورت وقوع تخلفات منتج به ابطال آرای غیرقانونی، نمی‌توان تشخیص داد که کدام داوطلب از این تخلفات بهره‌مند شده و تعیین یقینی تعداد آرای اختصاصی هر یک از داوطلبان غیر ممکن است (Rogoff, 2010, p.578).

۲-۳-۳. رسیدگی به اعتبارنامه‌ها

سنت رسیدگی به اعتبارنامه‌ها، به مثابه یکی از روش‌های نظارت بر انتخابات پارلمانی، برای مدت طولانی به عنوان یکی از امتیازات پارلمان، تا سال ۱۹۵۸ در فرانسه وجود داشته است و امروزه در برخی کشورها از جمله ایران و آلمان با تفاوت‌هایی اجرا می‌شود (تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸).

در واقع رسیدگی به اعتبارنامه در انتخابات پارلمانی فرانسه به نفع نظارت محکمه‌ای شورای قانون اساسی بر انتخابات کنار گذاشته شد (Brouard, 2009, p.32).

۲-۳-۴. ایجاد نظام نظارت محکمه‌ای

قانون اساسی سال ۱۹۵۸، شورای قانون اساسی را به عنوان نهاد متصدی صیانت از قانون اساسی و در نتیجه تضمین احترام به توزیع صلاحیت‌ها بین دولت و پارلمان و بررسی اساسی برخی اعمال بنیادین (مثل قانون) تعیین نمود. به این نهاد اختیار رسیدگی به دعاوی و شکایات انتخاباتی نیز واگذار گردید، اما نظارت شورای قانون اساسی بر انتخابات پارلمانی با سیستم نظارت پارلمانی رسیدگی به اعتبارنامه‌ها خیلی متفاوت است.

مجالس قانون‌گذاری در گذشته اعتبارنامه‌های تمام اعضای خود را مورد بررسی قرار می‌دادند؛ اما شورای قانون اساسی فقط در صورت طرح شکایت نزد او علیه انتخابات معین به رسیدگی می‌پردازد. لذا حوزه صلاحیت شورا بسیار محدودتر است (Rogoff, 2010, p.578).

۲-۳-۵. کتبی و ترافیعی بودن دادرسی انتخاباتی

از تصویب‌نامه مورخ نوامبر ۱۹۵۸ و آیین دادرسی شورای قانون اساسی در حوزه انتخابات برمی‌آید که شورا دعای بین طرفین (داوطلب شاکی و داوطلب منتخب) را با استفاده از حقوق موضوعه و بر اساس آیین ترافیعی رسیدگی و نهایتاً دادنامه‌ای واقعی صادر می‌شود (تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰). با ارسال شکایت‌نامه شاکی برای داوطلب منتخب، او یا وکیلش لایحه دفاعیه‌ای را در پاسخ به دلایل شاکی ارائه می‌کنند. شاکی یا وکیل او در محدوده تعیین شده از سوی دبیر کل شورا به پاسخ‌های مطروحه جواب می‌دهند. هر یک از طرفین، یا دسترسی به مجموع پرونده در تمام دوران رسیدگی و تحقیقات، می‌توانند حتی از اظهارنظرهای وزیر کشور آگاهی یابند. پیرو تقاضای هر یک از طرفین یا تصمیمات شورا (یا یکی از شعب آن) شورای قانون اساسی می‌تواند دستور تحقیقات یا بررسی‌های محلی را صادر نماید. این وظیفه به یک گزارشگر داده می‌شود و موضوع آن می‌تواند حصول اطلاع از جریان عملیات انتخاباتی در حوزه انتخابیه به طور کلی یا در موضوع مشخص باشد. نتایج تحقیقات و بازرسی‌ها برای طرفین فرستاده می‌شود و آن‌ها سه روز فرصت دارند تا اظهار نظرهای خود را کتباً برای شورا ارسال نمایند. پس از اتمام مرحله تبادل لوایح کتبی، رئیس شورا برای هر پرونده از بین اعضای شورا و یا از بین گزارشگران معین یک گزارشگر تعیین می‌کند. گزارشگران معین که از مستشاران شورای دولتی یا دیوان محاسبات، منصوب از سوی رئیس شورا می‌باشند، پرونده را بررسی و تصمیم مناسب را به شعبه پیشنهاد می‌کنند. هر شعبه متشکل از سه عضو شورای قانون اساسی است که از طریق قرعه از بین سه گروه از اعضای شورا (منصوبان رئیس جمهور، رئیس مجلس ملی و رئیس سنا) انتخاب می‌شوند. البته لازم به ذکر است برای رسیدگی به دعاوی انتخاباتی پارلمانی، شورای قانون اساسی به سه شعبه تقسیم می‌شود که به بررسی پرونده‌ها می‌پردازند تا جلسه (هیئت) عمومی شورا اقدام به صدور رأی کند (Brouard, 2009, p.32).

۳. نقش دادرسی اساسی در نظارت بر انتخابات در نظام حقوقی ایران

در ایران، ساختار انتخابات، دو ساختاری است؛ از یک طرف اجرای انتخابات به عهده وزارت کشور و از سوی دیگر نظارت و دادرسی انتخابات در تمام مراحل بر عهده

شورای نگهبان است. در این خصوص آمده است: «هیچ سازمان یا دستگاهی جز وزارت کشور و شورای نگهبان تحت عنوان اجرای قانون انتخابات یا نظارت، مجاز نیست در امر انتخابات دخالت کند و یا مأموران و بازرسانی اعزام نماید».^۳

شورای نگهبان دارای ۱۲ عضو می‌باشد که این تعداد متشکل از ۶ فقیه و ۶ حقوقدان است. مطابق اصل (۹۱) قانون اساسی فقهای شورای نگهبان توسط مقام رهبری انتخاب و منصوب می‌شوند. حقوقدانان شورای نگهبان نیز با معرفی رئیس قوه قضائیه و رای نمایندگان مجلس شورای اسلامی انتخاب می‌شوند. رئیس قوه قضائیه موظف است به تعداد بیش از افراد مورد نیاز برای حقوقدانان شورای نگهبان افرادی را به مجلس شورای اسلامی معرفی کند و مجلس نیز مکلف است از میان افراد معرفی شده با رای گیری از نمایندگان مجلس حقوقدانان شورای نگهبان را انتخاب کند.

مطابق اصل نود و دوم قانون اساسی، اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به جای آنها انتخاب می‌شوند. مطابق ماده (۶) «آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان» (مصوب ۱۳۷۹) «دبیر شورا ۴۰ روز قبل از پایان مدت عضویت اعضائی که عضویشان در شرف انقضاء است طی نامه‌ای مراتب را در مورد فقهاء به مقام معظم رهبری و در مورد حقوقدانان به رئیس قوه قضائیه اعلام می‌نماید». همچنین رئیس قوه قضائیه تنها مکلف است به تعداد بیشتر از افراد مورد نیاز حقوقدانانی را به مجلس معرفی کند و نصاب خاصی برای این تعداد قرار داده نشده است. مثلاً اگر سه عضو لازم بود، مکلف است که حداقل چهار نفر را به مجلس معرفی کند و تکلیفی به معرفی بیش از این تعداد نفرات ندارد. این موضوع در نظر تفسیری شماره ۱۶۸۳/۲۱/۸۰ مورخ ۱۳۸۰/۴/۱۰ شورای نگهبان نیز به نحوی منعکس شده است:

«مطابق بند ۲ اصل ۹۱ قانون اساسی اختیار معرفی حقوقدانان شورای نگهبان به تعداد بیش از افراد مورد نیاز به عهده رئیس قوه قضائیه می‌باشد و مجلس شورای اسلامی موظف است فقط از میان افراد معرفی شده، تعداد لازم را انتخاب نماید» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴، ص ۹۷)؛ نکته دیگر آنکه مطابق ماده (۱۲۱) «قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی» نصاب لازم برای انتخاب حقوقدانان شورای نگهبان «اکثریت نسبی» در نظر گرفته شده است.^۴

۳-۱. نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی

نظارت بر انتخابات بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی یکی از وظایف شورای نگهبان است (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۵۹).

۳-۱-۱. بررسی صلاحیت داوطلبان، رد صلاحیت و رسیدگی به جرائم

کسانی که صلاحیت آنان مورد تأیید قرار نگرفته حق دارند ظرف چهار روز از تاریخ ابلاغ به داوطلب، شکایت خود را مستدلاً به هیئت نظارت استان اعلام نمایند.^۵ هیئت نظارت استان پس از کسب نظر هیئت مرکزی نظارت، موظف است مراتب تأیید یا رد صلاحیت کلیه داوطلبان را با استناد قانونی طی صورت جلسه‌ای به فرماندار یا بخشدار مربوط اعلام نماید.^۶ در صورتی که نظر هیئت مرکزی نظارت مبنی بر رد صلاحیت داوطلبانی باشد که صلاحیت آنان مورد تأیید هیئت اجرایی مرکز حوزه انتخابیه قرار گرفته است، داوطلبان می‌توانند اعتراض خود را به شورای نگهبان تسلیم نمایند. شورای نگهبان بیست روز پس از اظهار نظر هیئت مرکزی نظارت نظر قطعی و نهایی خود را در خصوص تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان به وزارت کشور اعلام خواهد نمود.^۷

کسانی که از نحوه برگزاری انتخابات شکایت داشته باشند، می‌توانند ظرف هفت روز از تاریخ اخذ رأی شکایت مستند خود را به دبیرخانه شورای نگهبان نیز تسلیم دارند.^۸

۳-۱-۲. شورای نگهبان

نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران، به عهده شورای نگهبان می‌باشد و این نظارت استصوابی و عام و در تمام مراحل در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است.^۹ نظر شورای نگهبان در مورد ابطال یا توقف انتخابات قطعی و لازم‌الاجراست. ادامه انتخابات در حوزه‌هایی که از طرف شورای نگهبان متوقف گردیده، بدون اعلام نظر ثانوی شورای نگهبان وجه قانونی ندارد و جز شورای نگهبان هیچ مقام و مرجع دیگری حق ابطال یا متوقف کردن انتخابات را ندارد.^{۱۰}

۳-۱-۳. هیئت‌های نظارت

۳-۱-۳-۱. هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات

پیش از شروع انتخابات از سوی شورای نگهبان پنج نفر از افراد مسلمان و مطلع و مورد اعتماد (به عنوان هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات) با اکثریت آراء انتخاب و به وزارت کشور معرفی می‌شوند.^{۱۱}

از پنج نفر عضو هیئت مرکزی نظارت حداقل یک نفر باید عضو شورای نگهبان باشد که ریاست هیئت را یکی از اعضای شورای نگهبان به عهده خواهد داشت.^{۱۲} هیئت مرکزی نظارت بر کلیه مراحل و جریان‌های انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور در امر انتخابات و هیئت‌های اجرایی و تشخیص صلاحیت نامزدهای نمایندگان و حسن جریان انتخابات نظارت خواهد کرد.^{۱۳}

هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات باید در هر استان هیئتی مرکب از پنج نفر با شرایط مذکور در مواد ۱ و ۲ جهت نظارت بر انتخابات آن استان تعیین کند. هیئت مرکزی حق ابطال انتخابات یا متوقف ساختن آن را ندارد. فقط باید مدارک حاکی از عدم صحت یا لزوم متوقف ساختن آن را برای شورای نگهبان بفرستد تا شورا در مورد ابطال یا متوقف کردن آن نظر بدهد.^{۱۴}

۳-۱-۳-۲. هیئت نظارت استان، هیئت‌های سه نفره و پنج نفره

هیئت نظارت استان با موافقت هیئت مرکزی باید برای هر حوزه انتخابیه هیئتی مرکب از سه نفر با شرایط مذکور در مواد ۱ و ۲ جهت نظارت بر انتخابات حوزه مربوطه تعیین کند.^{۱۵}

هیئت‌های نظارت سه نفره موظف‌اند افرادی که واجد شرایط مذکور در ماده ۱ می‌باشند جهت نظارت بر حوزه‌های فرعی انتخاب کنند.^{۱۶}

۳-۲. نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری

۳-۲-۱. شورای نگهبان

نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری به عهده شورای نگهبان می‌باشد. این نظارت عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است.^{۱۷}

چنانچه شورای نگهبان به دلایلی انتخابات ریاست جمهوری را در سراسر کشور متوقف یا باطل اعلام نماید وزارت کشور با کسب نظر شورای نگهبان در اولین فرصت مناسب نسبت به تجدید انتخابات اقدام می نماید.^{۱۸}

۳-۲-۲. شکایت، نحوه رسیدگی، رسیدگی به تخلفات و جرائم

کسانی که از نحوه برگزاری انتخابات شکایت داشته باشند، می توانند ظرف سه روز از تاریخ اخذ رأی شکایت مستند خود را به ناظرین شورای نگهبان یا دبیرخانه این شورا نیز تسلیم دارند.^{۱۹}

هیئت اجرایی پس از بررسی شکایات و گزارشات چنانچه تشخیص دهد که امور انتخابات در یک یا چند شعبه از جریان عادی خارج شده و صحیح انجام نگرفته است با تأیید شورای نگهبان انتخابات یک یا چند شعبه مزبور را باطل اعلام می نماید.^{۲۰} چنانچه وقوع جرائم مندرج در ماده فوق موجب گردد که جریان انتخابات در یک یا چند شعبه ثبت نام و اخذ رأی از مسیر قانونی خود خارج شود و در نتیجه کلی انتخابات مؤثر باشد مراتب وسیله وزارت کشور به منظور طرح در شورای نگهبان به هیئت مرکزی نظارت اعلام می گردد.^{۲۱}

هیئت های اجرایی و نظارت موظفند در صورت اطلاع از ارتکاب هر یک از جرائم فوق، موضوع را برای رسیدگی به مرجع قضایی ذیصلاح اعلام نمایند. موضوع باید بلافاصله توسط دادستان حوزه مربوطه رسیدگی شود.^{۲۲} قوه قضائیه نیز یکی از شعب موجود در هر حوزه قضایی را به منظور رسیدگی خارج از نوبت به تخلفات و جرائم انتخاباتی اختصاص می دهد.^{۲۳}

البته لازم به ذکر است به تخلفات و جرائمی که به وسیله نامزدها صورت می گیرد پس از برگزاری انتخابات، در شعبه رسیدگی به تخلفات و جرائم انتخاباتی در تهران رسیدگی می شود.^{۲۴}

از سوی دیگر تشکیلات قضایی هر شهرستان یا بخش باید به منظور پیشگیری از وقوع جرم، اقدامات لازم را در محدوده قوانین و مقررات مربوطه، معمول دارد.^{۲۵}

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بررسی این سؤال پرداخت که نقش دادرسی اساسی در صیانت از انتخاب مردم در فرانسه و ایران چیست؟ نتایج تحقیق نشان داد: شورای قانون اساسی فرانسه و شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران از جهات ذیل با هم شباهت دارند:

- ۱- در هر دو نظام انتخاباتی نهاد ناظر بر انتخابات، سازمانی مستقل است.
- ۲- اعضای شورا قانون اساسی و شورای نگهبان هر دو انتصابی هستند.
- ۳- در هر دو کشور، در صورت تساوی آراء اعضا، رأی رئیس شورا تعیین‌کننده است و حرف نهایی را می‌زند.
- ۴- در هر دو مدل می‌توان به رد صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری نزد نهاد ناظر یعنی شورای قانون اساسی و شورای نگهبان در مهلت مقرر اعتراض نمود.
- ۵- در هر دو کشور، شورای نگهبان و شورای قانون اساسی درباره سازماندهی عملیات انتخاباتی مورد مشاوره دولت قرار می‌گیرند.
- ۶- در هر دو سیستم بحث نظارت بر انتخابات در خصوص تبلیغات به کمیسیون‌هایی دولتی (حکومتی) اعطا شده است.
- ۷- در هر دو مدل، نقش نمایندگان شورای قانون اساسی و هیئت نظارتی این است که باید عملیات رأی‌گیری را در محل تعقیب کنند. البته نمایندگان شورا و هیئت‌های ناظر نمی‌توانند جایگزین مقامات صلاحیت‌دار مانند فرمانداران، کمیسیون شمارش آرا و غیره شوند اما می‌توانند آن‌ها را به سمت مسایل علمی یا حقوقی مهم جلب نمایند.
- ۸- از وظایف شورای قانون اساسی و شورای نگهبان در جریان برگزاری انتخابات، رسیدگی به شکایت‌ها است.
- ۹- اعلام رسمی پیروزی کاندیدای ریاست جمهوری بر عهده شورای قانون اساسی و شورای نگهبان است.
- ۱۰- در کشور فرانسه نظارت بر انتخابات پارلمانی، در قالب رسیدگی به شکایت‌ها و حل و فصل دعاوی انتخاباتی، بر عهده شورای قانون اساسی نهاده شده است این در حالی است که در ایران نیز شورای نگهبان چنین نقشی دارد.
- ۱۱- در هر دو مدل انتخاباتی رسیدگی به دعاوی راجع به رأی‌گیری و شمارش نتایج

بر عهده شورای قانون اساسی و شورای نگهبان است. همچنین نتایج تحقیق به این امر دلالت دارد که شورای قانون اساسی فرانسه و شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران از جهات ذیل با هم تفاوت دارند:

- ۱- نحوه انتخاب اعضا در دو کشور؛
 - ۲- مدت عضویت محدود در فرانسه که حداکثر ۹ سال است ولی در ایران این سقف وجود ندارد و یک عارضه مهم است باید اصلاح شود؛
 - ۳- اختیارات شورای فرانسه نسبت به شورای ایران محدودتر است؛
 - ۴- شورای قانون اساسی فرانسه صلاحیتی نسبت به نظارت بر تبلیغات ندارد در حالی که در ایران طبق قانون انتخابات ریاست جمهوری، نماینده شورای نگهبان در کمیسیون از اختیار نظارت بر تبلیغات برخوردار است.
- بر خلاف نظام انتخاباتی ایران که شورای نگهبان دارای اختیارات عام و نظارت استصوابی در تمام مراحل انتخابات است در فرانسه اگر شکایتی علیه سلامت انتخاب یک نماینده مجلس ملی یا یک سناتور مطرح نگردد، شورا در این حوزه وارد نمی‌شود. پس مداخله شورای قانون اساسی فرانسه در انتخابات، محدود می‌باشد و منحصرأ در صورتی که با نحوه برگزاری انتخابات مجلس شورا یا سنا ابراز مخالفتی شود شورا موظف است در مودر قانونی بودن یا نبودن نحوه برگزاری انتخابات اظهار نظر نماید. به این ترتیب شورا از صلاحیت عام رسیدگی به تمام دعاوی انتخاباتی همانند دعاوی راجع به انتخاب‌کنندگان و داوطلبان برخوردار نیست.

یادداشت‌ها

۱. اصل ۵۸: مسئولیت نظارت بر حسن اجرای قانون انتخابات ریاست جمهوری بر عهده شورای قانون اساسی است. شورای مذکور به اعتراضات رسیدگی کرده و نتایج انتخابات را اعلام می‌نماید.
۲. اصل ۵۹: در صورت اعتراض، نسبت به حسن اجرای انتخابات اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا، شورای قانون اساسی نظارت کامل می‌نماید.
۳. تبصره ماده ۲۵ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.
۴. ماده (۱۲۱) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مقرر می‌دارد: «نصاب رأی‌گیری در مجلس، کمیسیون، کمیته و شعبه در موارد مختلف به شرح زیر می‌باشد: ... ۱- اکثریت نسبی، ۲- انتخاب اعضای حقوقدان شورای نگهبان».

۵. تبصره ماده ۵۱ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.
۶. تبصره ۱ ماده ۵۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.
۷. تبصره ۳ ماده ۵۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.
۸. تبصره ماده ۶۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.
۹. ماده ۳ قانون نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی.
۱۰. ماده ۱۱ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی.
۱۱. ماده ۱ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی.
۱۲. تبصره ۱ ماده ۱ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی.
۱۳. ماده ۳ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی.
۱۴. ماده ۱۰ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی.
۱۵. ماده ۶ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی.
۱۶. ماده ۷ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی.
۱۷. ماده ۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری.
۱۸. ماده ۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری.
۱۹. تبصره ۱ ماده ۸۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری.
۲۰. ماده ۸۲ قانون انتخابات ریاست جمهوری.
۲۱. تبصره ۱ اصلاحی ۱۳۹۱/۱۰/۲۶ ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری.
۲۲. تبصره ۲ اصلاحی ۱۳۹۱/۱۰/۲۶ ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری.
۲۳. ماده ۳۴ اصلاحی ۱۳۹۱/۱۰/۲۶ قانون انتخابات ریاست جمهوری.
۲۴. تبصره ۱ اصلاحی ۱۳۹۱/۱۰/۲۶ ماده ۳۴ قانون انتخابات ریاست جمهوری.
۲۵. تبصره ۲ اصلاحی ۱۳۹۱/۱۰/۲۶ ماده ۳۴ قانون انتخابات ریاست جمهوری.

کتابنامه

۱. پروین، خیرالله (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد نظریه نظارت بر قوانین در نظام‌های حقوقی معاصر»، تحقیقات حقوقی، شماره ۶۱.
۲. پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۴)، مجموعه قوانین و مقررات شورای نگهبان، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
۳. تقی‌زاده جواد، (۱۳۸۵)، «شورای قانون اساسی و نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری»، حقوق اساسی، شماره ۱۰.
۴. تقی‌زاده، جواد (۱۳۸۶)، «شورای قانون اساسی و نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری»، حقوق اساسی، شماره ۸.

۵. پروین، خیراله (۱۳۹۴)، «جستاری بر اندیشه دادرسی اساسی در جهان»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، بهار و تابستان، دوره ۶، شماره ۱.
۶. خسروی، حسن (۱۳۹۶)، *حقوق اساسی ۱*، تهران: انتشارات پیام نور.
۷. شکر، زهیر (۱۳۸۷)، *دادرسی قانون اساسی، آزادی‌ها و حقوق عمومی یا اساسی*، ترجمه خیرالله پروین، حقوق اساسی، شماره ۹.
۸. عباسی، بیژن (۱۳۹۴)، *حقوق اساسی تطبیقی*، تهران: نشر دادگستر.
۹. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، «شورای نگهبان و نظارت بر انتخابات»، *حکومت اسلامی*، شماره ۳۰.
۱۰. فاورو، لویی (۱۳۸۵)، «اساسی‌سازی حقوق فرانسه»، ترجمه جواد تقی‌زاده، *حقوق اساسی*، سال چهارم، شماره ۶ و ۷.
۱۱. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۲)، «حق تعیین سرنوشت و مسئله نظارت بر انتخابات: نظارت تضمینی در مقابل نظارت تحدیدی»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، شماره ۳۱.
۱۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۶)، *حقوق اداری*، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. کارگزاری، جواد (۱۳۸۳)، «الگوهای نظارت قانون اساسی / قضایی»، *حقوق اساسی*، شماره ۳.
۱۴. گرجی ازندریانی، علی اکبر و خادمی، مازیار (۱۳۹۵)، «شورای قضایی و نقش آن در استقلال نهاد دادرسی اساسی آفریقای جنوبی»، *اندیشه‌های حقوق عمومی*، پاییز و زمستان، شماره ۱۰.
۱۵. گلشن‌پژوه، محمود رضا (۱۳۸۸)، *بررسی تطبیقی نظام‌های انتخاباتی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

16. Brouard, Sylvain (2009), The Politics of Constitutional Veto in France: Constitutional Council, Legislative Majority and Electoral Competition, *Journal West European Politics*, 32.

17. Rogoff, Martin A. (2010), *French Constitutional Law: Cases and Materials*, 578 Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1727591>.

